



۲۰۱۸/۱۲/۰۹

شریف حکیم

## فروپاشی معیار ها...



در سلسله مقرری های سؤال بر انگیز در پُست های کلیدی کشور ما، تعیین معین پالیسی های وزارت داخله بحث هایی را برانگیخته است. کمتر کسی می داند که این مقرری روی کدام معیارهای منطقی صورت گرفته؟ در حلقه



خواهانش، معین تعیین شده را صاحب نبوغ تعریف کرده اند که اگر چنین می بود باید ایشان استاد دانشگاه [پوهنتون] می شدند، عده ای به تحصیلات عالی اش اشاره کرده اند بدون اینکه رابطه ای بین این تحصیلات عالی و وظایف معینیت پالیسی ها برقرار کرده باشند، گفته اند صرف بیست و هفت سال دارد ولی پر از نکات و درایت است؟ اگر هفت سال دوره طفولیت را منفی کنیم آیا بیست سال باقی مانده کافی خواهد بود که آدم دست آوردهای شگفت انگیز تحصیلی و تجربه کاری حاصل کند.

چه دلایلی وجود داشته که صدها چهره ورزیده در مسایل امنیتی را نادیده گیرند و دست در دامن جوانی که هیچ تجربه کاری ندارد بیاندازند؟

- نتایج این مقرری چه خواهد بود؟
- آیا رابطه سالم کاری بین معین جدید و افسران عالی رتبه طوری که ایجاب می کند برقرار خواهد شد؟
- آیا این تقرری باعث دلسردی آنهایی که خود را مستحق این پُست می پنداشتند نخواهد شد؟
- آیا وفاداری مستحقین واقعی چنین مقامی را به نظام و رهبری حکومت شان صدمه نخواهد زد و صدها سوال دیگر.

میرهن است که کشور ما در هیچ دوره ای جامعه دلخواه و پاسخ گوی سؤالات مردم نبوده است، عدم موجودیت عدالت اجتماعی، فقر، بیسوادی و فساد اداری از جمله مسایلی بودند که به آنها کمترین توجه صورت می گرفت ولی

باوجود آن همه کمبودی ها نظمی در کشور وجود داشت که نمی توان آنرا انکار کرد، به خصوص این نظم در بخش استخدام و ارتقای منسوبین نیروهای مسلح که شامل وزارت خانه های دفاع و داخله می گردید محسوس تر بود.

ارگان های دفاع و داخله مراکز تعلیمات متوسط و عالی خود شان را با شیوه های خاص درسی داشتند که استخدام افسران از همان مراجع صورت می گرفت. منسوبین این ارگان ها نردبان ترقی را طبق لایحه ای که موجود بود طی می کردند و مشکل بود کسی بدون گذشت از آن پله ها به بالا برسد.

جنرال شدن درین ارگان ها مثل خوابی بود که حتی برای تحصیل کرده ترین ها با تجارب چندین ساله مسلکی به حقیقت نمی پیوست. ولی با تأسف و تأثر که همه آن معیار ها در چهل سال اخیر از هم پاشیدند.

در نیمه اول این چهل سال که دوره انقلاب است صاحب منصبان پایین رتبه بر اساس نقش شان در انقلاب، وفاداری به حزب حاکم و اتحاد شوروی، نه بر اساس شایستگی، جنرال های چند ستاره شدند و بعد ها حتی فارغان کورس های سواد آموزی نیز با رتبه های افسری مفتخر شدند که تأثیرات منفی آنرا بر نظام نمی توان نادیده گرفت. افسران بالا رتبه که با دسپلین و غرور مسلکی خاص تربیه شده و ترقی کرده بودند اطاعت از نوخاستگان بی تجربه را نه تنها تحمل نکردند بلکه هتک حرمت پنداشته گروه گروه نظام را رها و به تعقیب آن حتی وطن خود را نیز رها کردند.

**ولی این تجربه تلخ، درسی برای آیندگان نشد.**

در نیمه دوم این چهل سال که دوره مجاهدین است بخشیدن القاب بلند رتبه نظامی سیر صعودی اختیار کرد زیرا گروه های دوازده گانه مجاهدین دادن این القاب را یک نوع پاداشی می پنداشتند که جهادی ها مستحق آن بودند.

اولین دست مبارکی که ستاره های ستر جنرالی را بر شانه های دوستم نصب کرد از مجاهد کبیر جناب سبغت الله مجددی بود، او به گذشته دوستم که دستش به خون مردم آغشته بود چشم بست، چون قدرت او را برای محافظت از قدرت نو یافته خودش حتمی می پنداشت. به تعقیب کسانی که حتی فیر هوایی نیز در دوران جهاد کرده بودند یا این رتبه ها برای شان داده شد و یا اینکه خود آنرا بر خود گذاشتند.

مرحله بعدی که به دوره بیوروکرات های غرب دیده مسما است همچنان خط بالا را تعقیب کرده و بی مسؤولانه به تقسیم رتبه های جنرالی و حتی مارشالی ادامه دادند.

حامد کرزی شانه های مجاهد فهیم را با ستاره های مارشالی مزین ساخت. کرزی به خوبی می دانست که فهیم تحصیل و تجربه این مقام را ندارد ولی در آئینه ارتقای او تصویر بقای خودش را می دید.

در طی چهل سال اخیر کشور ما در مقایسه با نفوس آن بیشترین جنرال و مشاور داشته است که نه تنها کمر شکن برای بودجه ضعیف آن است، بلکه لطمه بزرگی به نام و حیثیت این مقام ها نیز بوده است.

در سلسله تقرری افراد ملکی در محیط نظامی، مسؤولین چرا متوجه تفاوت ها میان این دو محیط نمی شوند، در محیط نظامی شایستگی و تجربه نظامی نقش بارز دارد، درین محیط احترام و اطاعت از مقام های بالایی فرض است، ولی وقتی افسری می بیند که بالا مقامش بر اساس ساخت ها و بافت ها برکرسی ای که شایسته اش نیست نصب شده این فرض ماهیتش را از دست داده و زنجیره احترام و اطاعت از هم می پاشد.

چنین حالات احساس عدم اطاعت و بی تفاوتی را در افراد شایسته که غرور مسلکی شان را زیر پا می بندند، جان می دهد و در نهایت سلسله تماس های سالم را صدمه می زند.

تقرر معین پالیسی های وزارت داخله که شخصیتی عاری از تجربه مسلکی است نه تنها مانند مقرری های مشابه مؤثر واقع نخواهد بود بلکه تأثیرات منفی را نیز بار خواهد آورد، ولی شکی نیست که در تقرر بعدی ایشان بعد از ناکامی درین پُست، به صفت سفیر در یکی از کشورهای جهان اول بی ثمر نخواهد بود. شریف حکیم دسمبر ۲۰۱۸



### تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و سروده های دیگری از این شاعر معزز (شریف حکیم) را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!



فروپاشی معیارها

[Sharif\\_hakim\\_feropaashi\\_e\\_meyaarhaa.pdf](#)